عصر مردم

والعصر، هر که او آگاهتر، جانش فزون

شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۹۵ - ۵ رمضان ۱۴۳۷ - شماره ۵۷۹۰

روزنامه سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد عسلی

سردبیر: اسماعیل عسلی

ISSN: 1557 - 2008

لیتوگرافی و چاپ: روزنامه عصر مردم

تلفن: ۳۲۳۵۹۶۱۰

تلفن‌های دفتر سرپرستی اصفهان: ۰۹۱۳۹۱۴۷۷۲۷

نشانی: شیراز - قصردشت - چهارراه ملاصدرا - نبش کوچه ۳۳ - ساختمان روزنامه عصر مردم

تلفن: ۳۸-۳۲۳۰۰۳۳۷ - نمابر: ۳۲۳۰۳۸۳۰

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۱۳-۳۲۳۴۸۰۱۰-۳۲۳۴۵۸۸۰-۲- ۳۲۳۴۱۰۰۰

WEB: Asremardom.com

Email Address: asr.e.mardom@Gmail.com telegram.me/asremardom

گاه راز

اذان صبح	۰۴:۲۶
طلوع آفتاب	۰۵:۵۹
اذان ظهر	۱۳:۰۰
اذان مغرب	۲۰:۱۹

امروز

۲۱ ▼ ▲ ۳۷

صاف

با دشمن دانایِ خود مشورت کن و از نظرِ دوستِ نادان خود بپرهیز.

امام علی (ع)

تالار حافظ در شبهای قدر، میزبان نمایشگاه قرآنی می‌شود

کتب قرآنی، ادعیه، تابلو و قرآن‌های نفیس و تاریخی در قالب یک مجموعه به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان به نمایش در آمد و مدیر کل فرهنگ و ارشاد فارس از علیرضا ظهیر امامی، حمید جاویدان و داریوش نویدگویی که در برپایی این نمایشگاه مشارکت جستند تقدیر کرد، همچنین در این مسیر، نمایشگاه قرآنی یاد شده، انوار الهی خود را برای شب‌های قدر در تالار حافظ فرهنگ و ارشاد فارس، گسترده خواهد کرد.

نمایشگاه قرآن کریم با نمایش ۷۸۰ نمونه نفیس و تاریخی در شیراز بطور گردشی آغاز به کارکرد و شب‌های قدر نیز انوار خود را در تالار حافظ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس، به گونه شبانه روزی گسترده خواهد کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی و روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، نمایشگاه قرآنی شیراز با حضور مدیران و مقامات استانی در آیینی ویژه توسط حضرت آیت الله سید علی اصغر دستغیب، تولیت آستان احمدی و محمدی (ع) گشایش یافت و مجموعه کتب قرآنی، ادعیه، تابلو و قرآن‌های نفیس و تاریخی در قالب یک مجموعه به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان به نمایش در آمد.

داریوش نویدگویی، مدیر انتشارات نوید شیراز و مسئول نمایشگاه قرآنی مذکور، گفت: در این نمایشگاه ۷۸۰ اثر قرآنی نفیس و تاریخی به نمایش گذاشته شده که شامل قرآن‌های نفیس به زبان‌های مختلف، تابلوهای اسماء الهی و کتاب‌های مرتبط با علوم قرآنی در معرض دید قرار گرفته است.

وی از ادامه این نمایشگاه در فرهنگ و ارشاد فارس، دادگستری فارس و شورای اسلامی شهر شیراز خبر داد و افزود: در این نمایشگاه آثار منحصر به فردی به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و فارسی دری وجود دارد که جدای از آنچه پیشتر در مرکز علوم استنادی به شکل دائمی در معرض دید قرار گرفت، است.

نوید گویی با بیان اینکه این نمایشگاه در ۵ روز نخست در هتل شیراز برپا می‌ماند اعلام کرد: این مجموعه نفیس پس از هتل شیراز بطور گردشی به دادگستری در خیابان ملاصدرا و شورای اسلامی شهر شیراز می‌رود و متناسب با تقاضای سازمان‌ها و نهادهای مختلف در استان، در این سازمان‌ها به نمایش در می‌آید. همچنین این نمایشگاه در شب‌های قدر در تالار حافظ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس، نیز به گونه شبانه روزی برپا خواهد شد.

وی، افزود: بسیاری قرآن‌های کریم این نمایشگاه به زبان‌های مختلف از جمله فرانسوی، ایتالیایی، انگلیسی و... است و هدف از نمایش آن در هتل شیراز دسترسی گردشگران خارجی به این مجموعه با ارزش است.

مدیر انتشارات نوید شیراز قدیمی‌ترین نمونه‌های قرآن کریم متعلق به کتابی دانست در سه جلد روی پوست نگارش شده و در معرض دید قرار گرفته است.

نویدگویی با بیان اینکه در این نمایشگاه ۵۲ تابلو اسماالله به نمایش گذاشته شده است، افزود: در نمایشگاهی که راه اندازی شده میزی به عنوان قرائت قرآن طراحی شده که مراجعین به مناسبت ماه نزول قرآن می‌توانند به قرائت کتاب الله بپردازند.

وی بی نظیرترین قرآن موجود در این نمایشگاه را متعلق به ۳۰۰ سال گذشته عنوان کرد و افزود: این قرآن که جیبی است به اندازه ۷ در ۹ سانتی متر نمونه ای بی نظیر است که در کنار کتاب‌های قرآن چاپ سنگی قرار گرفته است

همچنین مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس در سخنانی با بیان این که قرآن کریم مجموعه‌ای از قوانین است که انسان را به راه راست هدایت می کند افزود: نویسنده شهیر کتاب جنگ و صلح، تولستوی در باره کتاب آسمانی مسلمانان جهان می گوید، هر کس بخواهد سادگی و بی پیرایگی اسلام را بشناسند باید قرآن کریم را مطالعه کند.

احمد رضا سهرابی

ahmadreza.sohrabi55@ gmail.com

انگارنه انگار!

یک مولاناپژوه: صاحب بزرگان خود نیستیم

کامل احمدنژاد با اشاره به خبر ثبت مشترک «مثنوی معنوی» مولانا با کشور ترکیه گفت: ایرانی‌ها کاری برای مولانا نکرده‌اند و به همین دلیل ما صاحب بزرگان خود نیستیم.

این مولاناپژوه در گفت‌وگو با خبرنگار ادبیات و کتاب ایسنا در باره خبر ثبت مشترک «مثنوی معنوی» مولانا با کشور ترکیه در یونسکو گفت: در ایران هنوز ذهن اغلب بزرگان ما با مولانا صاف نیست و حتی زمانی که یک بزرگداشت برای مولانا برگزار می‌شود که در رأس آن آقای حدادعادل هم هست می‌بینیم که این بزرگداشت چندان مناسب نیست و به نوعی به توهین به مولانا منجر می‌شود.

او در باره اقدامات کشور ترکیه برای ثبت مولانا به نام خود گفت: اصلا در ترکیه کسی نمی‌تواند اصل آثار مولانا را بخواند چون زبانش فارسی است، ولی خب مولانا متولد افغانستان است ولی در قونیه کارش به نتیجه رسیده است. آنها هم الان استفاده کرده و «مثنوی» را به ۲۰ زبان زنده دنیا ترجمه کرده‌اند اما در ایران هیچ حمایتی از مولانا نشده است و حتی اگر می‌خواهند کاری انجام دهند آن‌قدر با مولانا معارضه می‌شود که جایی برای کار باقی نمی‌ماند. احمدنژاد در ادامه اظهار کرد: آثار مولانا برخاسته از فرهنگ ایرانی است. اندیشه او محصول فرهنگ اسلام است اما فرهنگش ایرانی است. قلمرو ایران هم همان جایی است که مولوی، فردوسی، نظامی، خیام و سعدی در آن بوده‌اند. اما وقتی ایرانی‌ها کاری برای مولانا نکرده‌اند و نمی‌کنند ترک‌ها میخ‌شان را چنین محکم می‌کوبند و ادعای مالکیت این شخصیت را هم دارند. این مصحح و پژوهشگر آثار مولانا ادامه داد: زبان مولانا فارسی است، فرهنگش هم ایرانی است و اندیشه او از امام محمد غزالی متأثر شده است. با این حال مولوی الان به یک روح جهانی تبدیل شده است آن‌چنان که ترجمه آثارش در آمریکا با تیراژهای ۳۰۰هزار تایی منتشر می‌شود و به فروش می‌رسد و اگر به عنوان شخصیت ایرانی شناخته شود برای ایرانی‌ها خیلی مهم است. اما متأسفانه عاملان و مسئولان فرهنگی ایران خیلی قوی نیستند که همین موضوع باعث شده است الان ما صاحب بزرگان خود نباشیم. دلیل آن هم این است که کسانی که این کارها را دنبال می‌کنند آدم‌هایی عامی هستند. او افزود: حتی برای خیام و حافظ که مزارشان هم در ایران است نمی‌توانیم کاری بکنیم و آنها را در دنیا جا بیاندازیم. برای این کار باید کسانی وجود داشته باشند که بینش و دانش آن را داشته باشند. این گفته‌های من هم بر مبنای حقیقت است وگرنه خیلی روحیه ناسیونالیستی ندارم ولی نمی‌پسندم که وقتی مولانا متعلق به فرهنگ ایران است به نام دیگری ثبت شود. هر چند خود من آذربایجانی هستم اما مولانا مال فرهنگ ایرانی است.

«دختر» ایرانی در راه مسکو

فیلم سینمایی «دختر» سیدرضا میرکریمی به جشنواره بین المللی فیلم مسکو راه یافت. فیلم سینمایی «دختر» به کارگردانی سیدرضا میرکریمی در آستانه‌ی اکران عمومی در ایران در بخش مسابقه جشنواره بین المللی فیلم مسکو به نمایش در می‌آید. به گزارش ایسنا،جشنواره بین المللی فیلم مسکو یکی از معتبرترین رویدادهای فرهنگی هنری در جهان است که امسال سی و هشتمین دوره آن از تاریخ سوم تا ۱۰ تیر ماه برگزار می‌شود. در این دوره از جشنواره فیلم سینمایی «دختر» نماینده سینمای ایران در بخش مسابقه این جشنواره است. پیش از این رضا میرکریمی برای فیلم «به همین سادگی» از این جشنواره جایزه بهترین فیلم را دریافت کرده بود. همچنین فیلم‌های «امروز»، «یه حبه قند» و چندین اثر دیگر این کارگردان پیش از این به زبان روسی ترجمه شده و با استقبال بسیار خوب مردم این کشور روبرو شده است. فیلم «دختر» آخرین ساخته میرکریمی چند شب پیش در اولین جشن روزنامه سینما جایزه بهترین فیلم را دریافت کرد. همچنین این فیلم در جشنواره فیلم فجر هم در بخشهای مختلفی همچون بهترین بازیگر مرد، بهترین بازیگر نقش دوم زن، بهترین فیلمنامه، بهترین کارگردانی و... نامزد دریافت جایزه شد و محمدرضا علیقلی سیمرغ بهترین موسیقی متن را برای این اثر دریافت کرد.

حاتمی، چشم، شکنجه

رضا صنعتی

روزنامه عصر مردم در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه در مقاله ای که به مناسبت فوت حسن حاتمی به قلم جناب محمدرضا آل ابراهیم نگاشته شده، آورده است: «[حسن حاتمی]... کتاب معروفی دارد به نام «سرود مردی که به خلیج پیوست». این کتاب در سال ۱۳۵۱ چاپ شده بود و ما دست به دست می کردیم. شنیده بودیم که مأموران ساواک دوره ی ستمشاهی او را دستگیر می کنند و در پی شکنجه‌های مداوم، یکی از چشمانش را از دست می‌دهد. بازتاب آن در شعری آمده بود به نام «مرثیه ای از پیش ساخته» که به جلال آل احمد تقدیم کرده بود. بندی از آن شعر چنین است:

من از تنهایی می‌لرزم / من از تنهایی می‌لرزم / روزهای تبعید / خورشید را / از یاد برده است

***

در اراضی مجروح / بوته‌ها می‌پوسند

***

اینک / کرکس‌های ستم / چشمانم را غارت کرده اند...»

همین مقاله را هفته نامه بیشاپور نیز ـ بدون ذکر نام منبع اصلی ـ در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه بازنشر داده است.

برای بنده که مشغول پژوهش در تاریخ انقلاب اسلامی در کازرونم شنیدن این ادعا مهم و البته عجیب بود.

مهم بود چون معرفی نمونه‌های عینی از افرادی که در اثر شکنجه‌های ساواک آسیب‌های جسمی قابل توجه (در حد نقص عضو) دیده اند، ارزش تاریخی دارد. اما عجیب بود چون مرحوم حاتمی در مصاحبه ای که در سال ۱۳۸۸ با وی داشتم تصریح کرده بود که دوران زندان خود را از آذر ماه ۱۳۵۲ آغاز کرده است. لذا برای روشن شدن مسأله با جناب آل ابراهیم تماس گرفتم. اهل استهبان، از بازنشستگان آموزش و پرورش و انسان خوش برخوردی بود. پس از معرفی و احوال پرسی گفتم مقاله شما را مطالعه کرده، پرسشی دارم. استقبال کرد.

از منبع آن شعر پرسیدم. گفتند: در کتاب «سرود مردی که به خلیج پیوست» آمده است؛ گفتم: می‌دانید که این کتاب در سال ۱۳۵۱ منتشر شده و زندان ایشان در سال ۱۳۵۲ بوده است؟! تعجب کرد و گفت: من ماجرای شکنجه و از دست دادن یکی از چشمانش را از دیگران شنیده بودم اما در باره اش تحقیقی نکرده بودم؛ وقتی خبر فوت او را شنیدم آن متن را نوشتم.

پس از آن به کتاب «سرود مردی که به خلیج پیوست و تصویرهای پیوسته در ویتنام» مراجعه کردم. معلوم شد حسن حاتمی شعر مذکور را در مهر ماه ۱۳۴۷ یعنی سال‌ها پیش از زندان و انتشار کتابش و در زمان حیات جلال آل احمد سروده است.

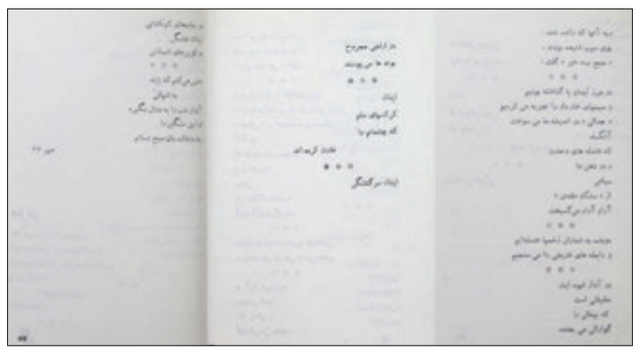

سه صفحه آخر شعر در چاپ اول کتاب

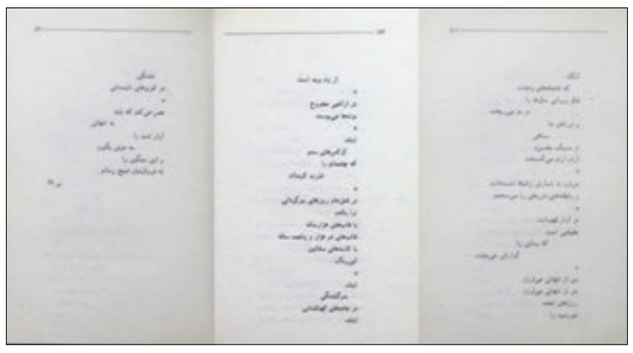

سه صفحه آخر شعر در چاپ دوم کتاب

نکته جالب دیگر آن که این قسمت از شعر جناب حاتمی «من از تنهایی می‌لرزم / من از تنهایی می‌لرزم / روزهای تبعید / خورشید را / از یاد برده است» در چاپ اول کتاب ایشان (در سال ۱۳۵۱) وجود ندارد. ظاهراً جناب آل ابراهیم به چاپ دوم این کتاب که هشت سال پس از پیروزی انقلاب (در سال ۱۳۶۵) منتشر شده، استناد کرده اند. در چاپ دوم کتاب قطعات متعددی به برخی اشعار اضافه شده که پیش از آن یا ارائه نشده و یا از سوی رژیم سانسور شده است.

به هر حال مهم ترین اشکالی که بر جناب آل ابراهیم وارد است آنکه چرا چنین ادعای مهمی‌را به صرف شنیدن از دیگران مطرح می کنند؟! اما اشکال بزرگتر به هفته نامه بیشاپور برمی‌گردد. اگر جناب آل ابراهیم چنین ادعایی را مطرح می کند شاید از آن رو است که به اذعان خودشان در طول حیات جناب حاتمی تنها دو مرتبه با وی همنشین شده است اما گردانندگان بیشاپور هم در کازرون زیسته اند، هم سال‌ها با وی محشور بوده اند و هم قبل از انتشار چنین ادعایی می توانستند از اقوام و آشنایان جناب حاتمی در باره وضعیت چشم وی تحقیق کنند.

اینجانب پس از انتشار مقاله مذکور از برخی افراد مطلع از جمله برخی اقوام مطلع و برخی افراد مسن آشنا با وی در باره مشکل یکی از چشمان او پرسیدم؛ آنها بر این مسأله تأکید کردند که این عیب از کودکی با وی همراه بوده است.

متأسفانه چند سال پیش از این نیز شاهد آن بودیم که کور مادرزادی از اهالی کازرون ـ که اتفاقاً او نیز از سابقه کتابفروشی در این شهر برخوردار بود ـ در یکی از شبکه‌های پربیننده رسانه ملی مدعی شد که هر دو چشم خود را زیر شکنجه‌های ساواک از دست داده است! این ادعا حیرت مردم و انقلابیون کازرون را به دنبال داشت و زمینه جلوگیری از سوءاستفاده‌های بعدی او را فراهم آورد.

اما این بی دقتی‌ها، تاریخ سازی‌ها و «مرثیه‌های خودساخته» نتیجه ای جز کمک به سلطنت طلبان در موجه جلوه دادن ادعای دروغین آنها در انکار شکنجه‌های وحشیانه ی ساواک نخواهد داشت.

امید آنکه از این پس دقت بیشتری به کار بندیم.

«حبیب» از دنیا رفت

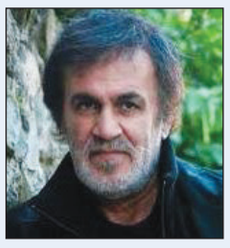

حبیب محبیان که چند سال پیش به ایران بازگشته بود، در شمال کشور از دنیا رفت.

به گزارش خبرنگار سرویس موسیقی ایسنا، این خواننده و آهنگساز پیشکسوت موسیقی پاپ معروف به «حبیب» که در رامسر زندگی می‌کرد، صبح ۲۱ خردادماه بر اثر ایست قلبی درگذشت.

او که با هدف فعالیت مجاز موسیقی به کشور برگشته بود در سن ۶۳ سالگی در ایران از دنیا رفت.

حسن عسکری مقدم – مدیر بیمارستان امام سجاد (ع) رامسر – صبح روز جمعه (۲۱ خرداد) با تایید خبر درگذشت حبیب محبیان به خبرنگار ایسنا – منطقه مازندران، گفت: پس از تماس با اورژانس ۱۱۵ و اعزام به منزل حبیب محبیان، وی علایم حیاتی نداشت و بر اثر سکته قلبی فوت کرده بود.

او اظهار کرد: این فرد عمل قلب باز انجام داده بود و اورژانس پس از یک ساعت CPR موفق به احیا نشد و برای تایید نهایی مرگ، ایشان به بیمارستان انتقال داده شد.

عسکری مقدم گفت: جسد این خواننده معروف ایرانی به سردخانه زینبیه رامسر انتقال داده شده است.

تمجید نیویورک تایمز از مستند ایرانی

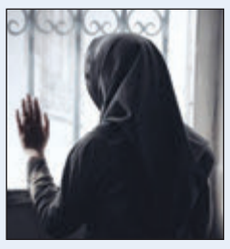

مستند «رویاهای دم صبح» ساخته مهرداد اسکویی یکی از آثار حاضر در جشنواره فیلم دیده بان حقوق بشر نیویورک بود که نمایش آن با تمجید منقدین سینمایی همراه بود.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، «استفن هولدن» منتقد نشریه «نیویورک تایمز» در باره ساخته اسکویی می‌نویسد: «قدرتمندترین فیلم این دوره از جشنواره فیلم «دیده‌بان» حقوق بشر نیویورک، مستند «رویاهای دم صبح» ساخته مهرداد اسکویی بود، در این مستند تکان‌دهنده، اسکویی با دخترانی در یکی از کانون‌های اصلاح و تربیت شهر تهران ویژه بزهکاران نوجوان مصاحبه می‌کند و آنها داستان‌های غریب خودشان، از آنچه بر سرشان آمده را تعریف می‌کنند.

آنها همگی در یک خوابگاه زندگی می‌کنند و رابطه نزدیکی میان آنها ایجاد شده و حمایت متقابلی که از یکدیگر می‌کنند بسیار تاثیرگذار است و این رابطه خواهرانه میان اعضای این کانون اصلاح تربیت بواسطه شرایطی ایجاد شده که همه آنها تجربه کرده‌اند. صراحت آنها در روایت داستان‌هایشان جذاب است و آنچه بسیار شگفت‌انگیز است شور و نشاط جمعی این دختران در مواجهه با تجارب هولناک‌شان است.

مستند «رویاهای دم صبح» با این شرط ساخته شده که دختران پس از ترک کانون اصلاح و تربیت، تحت تعقیب قرار نگیرند. قلب شما برای آنهایی به درد می آید که کانون اصلاح و تربیت پناهگاهی موقت برای آنها بوده است.»

منتقد نیویورک تایمز در ادامه می‌نویسد: «مهرداد اسکویی علاوه بر دریافت جایزه "عفو بین‌الملل" از شصت و ششمین دوره جشنواره فیلم برلین برای «رویاهای دم صبح» توانست جایزه بزرگ جشنواره "ترو فالس" آمریکا را به عنوان بهترین مستند ساز سال ۲۰۱۶ جهان از آن خود کند.

در ادامه موفقیت‌های بین‌المللی، اسکویی توانست جایزه بزرگ و نیز جایزه بهترین فیلم "الهام بخش" را از جشنواره «فول فریم» آمریکا از آن خود کند.

برنده گران‌ترین جایزه کتاب ادبی جهان معرفی شد

«آخیل شارما» نویسنده هندی ـ آمریکایی جایزه بین‌المللی دوبلین را که گران‌ترین جایزه کتاب ادبی جهان است از آن خود کرد.

به ایسنا، جایزه ۱۰۰ هزار یورویی «دوبلین» که تا سال گذشته با عنوان «ایمپک دوبلین» برگزار می‌شد در این دوره به «آخیل شارما» نویسنده «زندگی خانوادگی» تعلق گرفت.

این کتاب که یک رمان زندگی‌نامه‌ای است، از سوی هیات داوران این جایزه ادبی «بالاترین فرم به دست‌آمده در ادبیات» توصیف شده است. «شارما» بخش اعظمی از این اثر را بر اساس داستان نقل مکان خود و خانواده‌اش از دهلی به نیویورک به نگارش درآورده است. در این داستان پسر بزرگ خانواده در شهر جدید تصادف می‌کند و دچار عارضه مغزی می‌شود و به مراقب ۲۴ ساعته نیاز پیدا می‌کند. در حالی که «زندگی خانوادگی» عمیقا مورد ستایش اعضای هیات داوران جایزه بین المللی دوبلین قرار گرفته، «شارما» نویسنده این کتاب چند روز پیش از اعلام برنده این جایزه در باره ۱۳ سالی که صرف نگارش این کار کرده است، گفت: مثل یک کابوس بود، مثل جویدن سنگ، جویدن شن... من بیشتر از دردی که کشیدم آگاهی دارم تا این که لذتی ببرم. وقتی ایمیلی که به من خبر برنده شدنم را می‌داد، دریافت کردم، اولین فکری که کردم این بود که: خدا را شکر، یک ناامیدی دیگر را رد کردم. دو یا سه روز بعد از آن بود که خوشحال شدم.»